



فرهنگ ما هواری

چندین هزار شبکه ماهواره‌ای قرار است چه چیزی به تو هدیه بدهد؟! شاید ماهواره مثل دریایی از تنوع باشد. اما این دریا عمق‌اش به یک بند انگشت هم نمی‌رسد. بُرِ زدن شبکه‌های ماهواره‌ای، چیزی جز اتلاف، ارمغان دیگری برایت ندارد! این رسانه‌ها برای سرگرمی توده‌هاست!

باورش سخت است که مدیران و گردانندگان شبکه‌های ماهواره‌ای دل‌شان برای کم سوادی تو سوخته باشد و در اوج فداکاری سرمایه‌هایشان را صرف آگاهی تو کنند. ساده‌اندیشی است به رسانه‌های خارجی که برای ما برنامه می‌سازند اعتماد کنیم. در بهترین شکل و قضاوت خوشبینانه، باید قبول کرد کانال‌های تلویزیونی هر کشور بیشتر برای مردمان همان کشور کاربرد دارد و با فرهنگ آن‌ها سازگار است.

دهکده جهانی / پاتوق جهانی...

وقتی صحبت از دهکده جهانی می‌شود، من تنم می‌لرزد. آخر چه معنا دارد که همه مردم دنیا این قدر به هم نزدیک شوند و از روی دست هم نگاه کنند. اولین حاصل نامیمون این قربات این است که تو شیفته فرهنگ آن‌ها شوی. کم پیدا می‌شوند افراد فرهیخته‌ای که گوش‌شان بدهکار این بازی‌ها نباشد. باید آن قدر در فرهنگ خودت ریشه دوانیده باشی که در برابر طوفان‌های رنگارنگ فرهنگ‌ها، ایمن و پا بر جا بمانی. غیر از این باشد نسیم ملایمی از اندیشه‌های جدید، برج و باروی فرهنگت را فرو می‌ریزد. مگر تو چقدر مطالعه داری و چه میزان روی خودت کار کرده‌ای که به خودت جرأت می‌دهی در مسیر گفتگوی فرهنگ‌ها بایستی؟!

خیلی ساده لوحانه است که گول این رفتارهای روشنفکری را بخوریم. دنیا خیلی رنگارنگ است. اندیشه‌های سرگرم‌کننده و جذاب! عرفان‌های اغوا کننده سرزمین‌های دیگر! اگر کوله‌بار دانش‌ات پر نباشد و این حرف‌ها برایت تازه جلوه کنند، حتماً دلباخته آن‌ها خواهی شد. درحالی که فرهنگ بزرگ اسلام، بسیاری را تا آخرین پله‌های عرفان بالا برده است!

مگر ما مدعی نیستیم که فرهنگ اسلام، الگوی کاملی برای همه جهانیان است! چرا جذابیت‌های فرهنگ زیبا و دوست داشتنی اسلام عزیز را به کام روح و روان فرزندان مان نمی‌چشانیم؟! کافیسست احوالات یکی از عرفا و شخصیت‌های خودساخته معاصر را بخوانیم تا «دون‌خوان»^۱ از یادمان برود. باید بخوانیم و ببینیم که اسلام عزیز چگونه توانسته است انسان‌ها را در شرافت و پاکی، به اوج برساند.

گاهی با دیدن این حقایق، نمی‌توانم جلوی بهت‌زدگی خودم را بگیرم. اکثر اوقات فرهیختگان مان، ناخواسته شیفته تولیدات هنری و ادبی غرب می‌شوند. وقتی این خودباختگی در سطوح بالای فرهنگ کشور رخ بدهد، چگونه از جوانی که چندان به پختگی نرسیده توقع می‌رود که راه به اشتباه نرود.

تغییر تاکتیک دشمن

دشمن روی نفس تو حساب باز کرده است!

بشر از آغاز خلقت خلق‌و‌خوی نبرد را برای بقا آموخته است. مرور زمان سبب شد که مهارت‌های دفاعی و نظامی بشر گسترش پیدا کند. ابزار و ادوات نظامی و تاکتیک‌های پیچیده جنگی، ثابت می‌کند که بشر در این عرصه بسیار توانمند باشد. این مهارت‌ها زوایای پنهان دیگری هم دارد. بشر خیلی زود آموخت که روحیه مقاومت و فداکاری سربازان آن‌سوی خاکریزها، از قدرت موشک‌ها بالاتر است.

ما نباید گول بخوریم! وقتی دشمن عقب‌نشینی می‌کند و چندین دهه، همه چیز در صلح و صفا طی می‌شود، نباید چندان خوشبین بود. بی‌شک دشمن با ابزار جدیدتری وارد میدان شده است. ترویج فرهنگ مصرفی! کالاهای لوکس و زندگی مرفه. هر روز مدل‌های جدید روانه بازار می‌گردد. محاصره کانال‌های تلویزیونی هر روز تنگ‌تر می‌شود. مردم سخت سرگرم پول درآوردن می‌شوند تا آشپزخانه‌هایشان حتماً «ماکروویو» داشته باشد. یخچال «سایدبای‌ساید» در اولویت قرار می‌گیرد. «ال‌ای‌دی» حتماً باید چهل اینچ به بالا باشد. اتومبیل آخرین مدل، لبتاب آخرین سری، گوشی موبایل، کمتر از نیم‌میلیون نباشد و...

ماهواره؛ دریایی به عمق یک بند انگشت!

بسم الله. کافیسست از تهران بیرون بروید و سری به شهرستان‌ها بزنید. دیدن برخی جوانان فهیم و اصیل که شیفته ادب و فرهنگ‌اند، برایتان تازگی دارد. آن‌ها سرشان توی کتاب و درس‌شان است. تفریحات بسیار سالمی هم دارند. اگر از آن‌ها بپرسی در «فیس‌بوک» چندتا «فرند» دارند، شاید بمانند که چه بگوید! یا مثلاً بپرسی فیلم جدید چه داری و بعد هی بخوای آنالاین بودن خودت را به رخ‌شان بکشی و بگویی که من فقط موسیقی خارجی گوش می‌دهم، اصلاً تلویزیون ایران را نگاه نمی‌کنم و به رویش‌شان بیاوری که چرا ماهواره ندارند.

این حرف‌ها چه معنی‌ای می‌تواند داشته باشد! معنایش این نیست که تو تازه به‌دوران رسیده‌ای؟! این قدر یز دادن و ژست روشنفکری گرفتن، تماش تو را به کجا خواهد برد؟! خدا می‌داند اگر نسل‌های گذشته‌ات قرار بود مثل تو فکر می‌کردند و می‌خواستند خلأ شخصیتی‌شان را با «سیر» کردن در جریان‌های روشنفکری خام و نپخته پر می‌کنند، معلوم نبود تو اکنون چه آیینی داشتی!! فکر می‌کنی یکسره زل زدن به صفحات فیس‌بوک و دیدن ماهواره، اجازه می‌دهد که تو کمی هم بیاندیشی؟!

این همه فیلم در این قرن ساخته شده. آخر چه اهمیت دارد چندتایش را نبینی!



سربرهنه در جمع میهمانان نامحرم حاضر می‌شود، آیا می‌تواند نام مسلمان را یدک بکشد؟! پدری که به هیچ اعتقادی پایبند نیست، چگونه می‌تواند نسلی را تربیت کند که اصالت داشته باشد. برآستی در این خانواده‌ها، جنگ نرمی لازم است.

رسانه‌ها، آفت فرهنگ‌ها

سخن کوتاه کنیم. خدا می‌داند در گذشته چقدر سالم‌تر بودیم. سال‌های نه‌چندان دوری که از هجوم رسانه‌ها در امان بودیم. مردم در شب نشینی‌ها و پاتوق‌هایشان در چارسوها گرد هم می‌آمدند و نقل مجلس‌شان «حرف» بود. حرف‌هایی که کوچک‌ترها می‌شنیدند و می‌آموختند. نسل‌ها با حوصله و آرامش تربیت می‌شدند. این همه پیشرفت و تکنولوژی چه بلاهایی که بر سر ما نیاورده است. فرهنگ‌ها نمی‌توانند در برابر هجوم انواع سلاقی جدید و رنگارنگی که رسانه‌ها به ارمغان می‌آورند دوام بیاورند. اصلاً کسی از گذشته خود چیزی نمی‌آموزد! هجوم شروع شده است. چه بخواهیم و نخواهیم دامن همه را خواهد گرفت. وقتی فیلم‌ها می‌آیند و ماهواره‌ها امان نمی‌دهند! فرهنگ‌های جدید سرازیر می‌شوند. کسی نمی‌تواند از ترکش آن درامان باشد. خیلی‌ها نمی‌توانند ادعا کنند که هنوز ایرانی‌اند و به فرهنگی دینی و پیشینه پاک‌شان وابستگی دارند! وقتی که صبح تا شب سرمان توی اینترنت بند است! موبایل از دست‌مان نمی‌افتد! هر جا می‌رویم، لب‌تاب روی دوش‌مان سوار است! ماهواره و گیج‌ها، همه اوقات فراغت‌مان را می‌بلعد. کسی سراغی از کتاب و ذات خود و خانواده‌اش نمی‌گیرد. «چراغ‌های رابطه تاریک‌اند!» ای کاش این همه تنها نبودیم. ما خیلی پاک بودیم. الغرض؛ کسی با پیشرفت مخالف نیست! اما به‌قول سهراب سپهری، «بدرک راه نبردیم به اکسیژن آب...»

۱. مجموعه کتاب‌های کارلوس کاستاندا. دونخوان شخصیت عرفان سرخوستان آمریکا

فرهنگ‌ها را بزنند راه بجایی نمی‌برند. کتاب را که همه نمی‌خوانند. اما وقتی فیلمی پخش می‌شود همه اعضای خانواده زل می‌زنند به صفحه تلویزیون. چند شب پیش اتفاق حیرت‌انگیزی را شاهد بودم. پسرم گرافیس‌ت است. مدیر یکی از شرکت‌های تبلیغاتی با او تماس گرفت که همین الان بیا به دفتر ما. پسرم پرسید چرا این موقع شب. گفتند خانم گرافیس‌تی که کار ما را انجام می‌دهد آژانس گرفته تا سریع خودش را به منزل برساند برای دیدن سریال ماهواره! جالب این که آن مدیر تهدید کرده بود که اگر آن خانم برود و مراحل نهایی کار را تمام نکند، ۳۰ درصد از قراردادش را کم خواهند کرد. آن خانم گرافیس‌ت گفته بود «ایرادی ندارد. کم کنید. من باید بروم!» شما قضاوت کنید. اگر ما نخوابیم، آیا جنگ نرم در این عرصه راه بجایی خواهد برد!

زمانی که «جنگ نرم» لازم نیست!!

می‌گویند هر کس، هر چه دارد از پای قن‌دق دارد! لقمه‌های پاک، باطن‌های زلال. بی‌شک آنچه را بکاریم درو خواهیم کرد. اگر دوست داریم فرزندان‌مان انسان‌های شریف و بزرگی بشوند، باید مراقب آن‌ها باشیم.

مردی که درآمدش شبهه دارد، از گرفتن رشوه ابایی ندارد و برای بدست آوردن پست مدیریتی، زیرآب چند نفر را زده و دل‌های زیادی شکسته است، چه توقعی از حاصل کار خود دارد. آیا درآمد او پول پاکیزه‌ای است؟! قصد نصیحت ندارم! اما ما مسلمانان به این حرف‌ها باور و اعتقاد داریم. فقط خدا می‌داند با خوردن لقمه‌های شبهه‌ناک چه نسلی تربیت خواهند شد. یا مادری که با آرایش زنده از منزل بیرون می‌آید، آیا می‌تواند از فرزندش بخواهد که رفتار او را تکرار نکند. او که با

این همه دودین و چند شیفت کار کردن برای چیست؟! زیر و ام‌های پربهره شبهه‌ناک رفتن چه حکمی دارد؟ قرار است تا کجا ادامه دهیم! تربیت فرزندان‌مان چه می‌شود؟ چه کسی باید بفکر آن‌ها باشد؟ مگر پدر و مادران‌مان، برای تربیت ما نیاز به این همه امکانات داشتند؟!

چرا قبول نداریم این کالاها حکم «بمب زمانی» را دارد! بمبی که به‌مرور ما را رها زده خواهد کرد. کالاهایی که تهیه آن‌ها، توان و سرمایه مردمان یک کشور را درگیر خود خواهد کرد. اشرافیت به همین سادگی با لباس رفاه وارد فرهنگ مردم خواهد شد. مردمی که تا دو دهه پیش اهداف بزرگی برای خود ترسیم کرده بودند. سال‌ها پیش رهبر معظم انقلاب، خطر اشرافی‌گری را گوشزد فرمودند. طرح عنوان سال اصلاح الگوی مصرف ناظر بر همین معنا بود. اما متأسفانه رسانه‌ها در اوج سطحی‌اندیشی، کلام رهبر انقلاب را در حد اصلاح الگوی مصرف آب و برق پایین آوردند. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان در جمع فرهنگیان گله کردند (که نقل به مضمون) آیا منظور من از اصلاح الگوی مصرف، اصلاح مصرف آب و برق بود؟! اصلاح الگوی مصرف یعنی این که به سمت رفاه‌زدگی و اشرافیت نروی. واضح است که برای تولیدات کپمانی‌های بزرگ تجاری پایانی وجود ندارد. اگر قرار باشد بی‌وقفه چشم به بازار داشته باشیم تا مدل‌های جدید از راه برسند، حتماً همه عمر را بخته‌ایم و باید در نزد خالق‌مان، پاسخگوی این ناشی‌گری خود باشیم.

سینماتوگراف آدم تربیت می‌کند! ماهواره چطور...!!

برای نوشتن این یادداشت فکر می‌کردم چه بنویسم! از خود می‌پرسیدم، آیا مردم باور دارند شبیخون فرهنگی دشمن شروع شده است؟! یا این که رفتارهای غلط و ناخواسته ما چقدر می‌تواند به جنگ نرم دشمن کمک کند.

وسعت خاکریز جنگ نرم به مساحت همه شهرها است. محیط خانه هر ایرانی، می‌تواند یک سنگر دشمن باشد. مردم می‌توانند با انتخاب ناخواسته‌شان، در لباس سرباز دشمن درآیند! اما قاطعانه می‌توان عنوان کرد که اگر مردم نخواهند، جنگ نرمی وجود نخواهد داشت. اما اگر با ساده‌لوحی بساط ماهواره را در حریم منزل‌مان علم کنیم قافیه را بخته‌ایم.

حتماً این دیالوگ فیلم «ناصرالدین‌شاه، آکتور سینما» را بیاد دارید: «اگر نیت یکساله دارید بکارید، اگر نیت ده ساله دارید درخت بکارید و اگر نیت صد ساله دارید آدم تربیت کنید. سینماتوگراف آدم تربیت می‌کند». مدیران شبکه‌های ماهواره‌ای حتماً نیت صدساله دارند که با ابزار سینما و تلویزیون به سراغ خانواده‌ها آمده‌اند. آمده‌اند تا ذائقه فرهنگی ما را عوض کنند. عجله هم ندارند. اگر این‌ها می‌خواستند کتاب چاپ کنند تا ریشه

